دو نکته از نسخه برداری

> و إن صح ما نقله الرازی من منع بعضهم الناس عن قراءة غیره اشتد الخطب و امتنع الجواب و الشاهد الثانی أجاب عما أشکل علی الرازی کما سمعت بأنه لیس المراد بتواترها أن کل ما ورد من هذه السبع متواتر بل المراد انحصار المتواتر الآن فیما نقل من هذه القراءات فإن بعض ما نقل عن السبعة شاذ فضلا عن غیرهم کما حققه جماعة من أهل هذا الشأن انتهی و قال سبطه بعد نقل هذا عنه هذا مشکل جدا لکن «لکون ظ» المتواتر لا یشتبه بغیره کما یشهد به الوجدان انتهی[1]

«و إن صح ما نقله الرازی من منع بعضهم الناس عن قراءة غیره اشتد الخطب و امتنع الجواب»؛ اگر آن حرف فخر رازی درست باشد، دیگر نمی‌توان جوابی که ما دادیم –الا ان یقال- را گفت.

«و الشاهد الثانی أجاب عما أشکل علی الرازی کما سمعت بأنه لیس المراد بتواترها أن کل ما ورد من هذه السبع متواتر بل المراد انحصار المتواتر الآن فیما نقل من هذه القراءات فإن بعض ما نقل عن السبعة شاذ فضلا عن غیرهم کما حققه جماعة من أهل هذا الشأن انتهی و قال سبطه بعد نقل هذا عنه هذا مشکل جدا لکن «لکون ظ» المتواتر»؛ «لکن» عبارت مدارک است. صاحب حدائق هم از مدارک «لکن» نقل کرده‌اند. ظاهراً این از مرحوم آسید جواد است. چون هم در نسخه قدیم و هم جدید مفاتح الکرامه آمده.«لکون ظ»؛ یعنی ظاهر. در قدیم وقتی کسی واژه‌ای که می‌نوشت به نظرش درست نمی‌آمد، زیرش «کذا» می‌نوشت. یعنی من نویسنده توجه دارم که این غلط است ولی آن به همین صورت بود. «کذ» در نسخه‌های قدیمی رایج بوده. یکی هم «ظ» است که به نظر خودشان درستش را می‌نوشتند و در کنارش «ظ» می‌نوشتند. یعنی ظاهر این است. «لکون ظ»؛ یعنی ظاهر این است که در عبارت مدارک «لکن»، «لکون» بوده است. این «ظاهر» را مفاتح الکرامه نوشته است. «**لکون المتواتر لا یشتبه بغیره کما یشهد به الوجدان انتهی**».

> (قلت) و کلامه هذا بظاهره قد یخالف کلامه السابق من أن الکل نزل به جبرئیل إلی آخره فلیلحظ ذلک علی أنه ذکر الکلامین فی کتاب واحد و هو المقاصد العلیة و الجمع بینهما ممکن ثم إنه لو ثبت کان جمیع القراءات متواترة إذ ما من قراءة إلا و بعض ما تألفت منه متواتر قطعا کمواقع الاجتماع إلا أن یقال بأن المراد أن ما یفارق غیر السبع لا متواتر فیه بخلاف السبع فإن ما تفارق به غیرها أکثره متواتر[2]

«(قلت) و کلامه هذا بظاهره قد یخالف کلامه السابق من أن الکل نزل به جبرئیل إلی آخره فلیلحظ ذلک علی أنه ذکر الکلامین فی کتاب واحد و هو المقاصد العلیة»؛

تناقضی در یک کتاب واحد است. بالاترش این است که تناقض در یک کتاب واحد نیست، بلکه تناقض در چند سطر است. مطلب پشت سر هم است. این مهمتر است. نه اینکه در یک کتاب واحد باشد.

«**و الجمع بینهما ممکن**»؛ نمیتوانیم بگوییم قطعاً تناقض است. میتوانیم بین اینها جمع کنیم. خب آن جمع چیست؟ نفرمودند.

«**ثم إنه**»؛ مطلب دیگری است که باید جدا از آن بحث کنیم.

---

[1] مفتاح الکرامة في شرح قواعد العلامة(ط - دارالاحیاء التراث) ج۲ ص۳۹۳

[2]همان

بازبینی #3
ایجاد شده 27 آوریل 2024 12:44:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 11:36:07 توسط ... .